

نظام اداری در فرهنگ علوی

از منظر آیات و روایات

تألیف:

دکتر محمّد بابائی طلائی

دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

مؤسسه چاپ و انتشارات

سرشناسه	: بابائی طلاتیه، محمدباقر، ۱۳۴۲ -
عنوان و دیدآور	: نظام اداری در فرهنگ علوی از منظر آیات و روایات / تألیف: محمدباقر بابائی طلاتیه
مشخصات نشر	: تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) - مؤسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۹۹
مشخصات ظاهری	: بیست و هشت، ۴۱۸ ص.
فروست	: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، مؤسسه چاپ و انتشارات، ۹۳۳، سری مدیریت - ۷۳
شاب	: ۹۷۸-۹۶۴-۴۵۲-۹۶۵-۸
رصد فهرست نویسی	: فیبا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. -- دیدگاه درباره مدیریت (Ali ibn Abi-talib, Imam I, 600-661 -- Views on management)
موضوع	: اصلاح نظام اداری -- جنبه های مذهبی -- اسلام (Civil service reform -- Religious aspects -- Islam)
شناسه افزوده	: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) - مؤسسه چاپ و انتشارات
رده بندی کنگره	: BP ۳۰۰.۰۳۹۱
رده بندی دیویی	: ۱۷/۹۰۱۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۶۱۶۰۶۴۶

کلیه حقوق، اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری، ترجمه و اقتباس برای دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) محفوظ است.

• عنوان: نظام اداری در فرهنگ علوی از منظر آیات و روایات

• تألیف: دکتر محمدباقر بابائی طلاتیه

• صفحه آرای: ناهید آقامیرزایی

• طراحی جلد: وحید امیراحمدی

• لیتوگرافی، چاپ و صحافی: مرکز چاپ سپاه

• نوبت چاپ: اول (خرداد ماه ۱۳۹۹)

• شمارگان: ۲۰۰ نسخه

• قیمت: ۸۹۰/۰۰۰ ریال

• نشانی: تهران، بزرگراه شهید بابایی، بعد از پل لشکرک، دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) معاونت پژوهش و فناوری،

مؤسسه چاپ و انتشارات، تلفن: ۷۴۱۸۸۲۶۰ دورنگار: ۷۴۱۸۸۲۷۴

• مرکز یخش: تهران، میدان فردوسی، فروشگاه و نمایشگاه مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

تلفن: ۸۸۸۳۹۲۹۷

بسم الله الرحمن الرحيم

«يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...»

حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد و کسی که به او حکمت داده شود، حقا خیری فراوان داده شده است...

(سوره مبارکه بقره - آیه ۲۶۹)

انقلاب کبیر اسلامی، نمونه‌ای بی‌بدیل تاریخی، از حرکت اجتماعی عظیمی است که با سرنگونی طاغوت برپای نظام مقدس جمهوری اسلامی، امیدهای فراوانی را در دل مستضعفان و آزادی‌خواهان جهان باری تحقق آرمان‌های بلند دولت اسلامی، جامعه اسلامی و درنهایت، تمدن بزرگ اسلامی پدید آورد. در این میان، نهادهای علمی، به‌ویژه دانشگاه‌ها، باید نقش کلیدی سوزن‌بانی و هدایت در مسیر رشد و پیشرفت و رشد جامعه در مسیر صحیح انقلابی را ایفا نمایند.

دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام) بنوان «دانشگاه سازمانی سپاه در تراز انقلاب

اسلامی» با شعار «تزکیه، جهاد علمی، دانشگاه تمدن‌ساز»، در کنار مسئولیت مهم انسان‌سازی و تربیت سربازان عصر «هور، عقیق» تولید و نشر معارف پاسداری از انقلاب اسلامی را نیز برعهده دارد. در این راستا، معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه به‌منظور تکمیل چرخه مدیریت دانش بومی با سه ویژگی «اسلامی بودن»، «روزآمدی» و «کارآمدی»، با هدف دستیابی به مرجعیت علمی، افتخار و تلاش دارد تا زمینه و بستر لازم برای اساتید و پژوهشگران محترم این عرصه را فراهم نماید. امید است در سایه الطاف بیکران الهی و با گسترش فعالیت‌های انتشاراتی مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)، این رسالت خطیر تحقق یابد.

در پایان، بر روح ملکوتی معمار و رهبر کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره) و همچنین شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی، دفاع مقدس و مدافعان حرم درویشی فرستیم و با آرزوی سلامتی و توفیقات هرچه بیشتر مقام معظم رهبری، امام خامنه‌ای (مد ظله) و نیز خدمتگزاران اسلام و کشور، از اساتید، فرهیختگان و اهل نقد و نظر تقاضا داریم یا ارائه نظرها و پیشنهادهای خود، ما را یاری فرمایند.

و من الله التوفیق و علیه التکلان

معاونت پژوهش و فناوری

دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام)

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

مقدمه (بیست و یک)

فصل اول: نگاهی به مبادی و هویت نظامات اداری در فرهنگ علوی

۳	گفتار اول: نگاهی اجمالی به مفاهیم و الزامات آنها
۳	فرهنگ علوی
۵	علت تأکید بر فرهنگ علوی
۹	نگاهی به معنای لغوی نام
۱۰	واژه نظام در اصطلاح و الزامات آن
۱۳	تفاوت نظام با سیستم در فرهنگ علوی
۱۸	جایگاه نظامات در میان علوم حقیقی با ادعاری ^{۱۹}
۲۰	نگاه اجمالی به تعریف، مفهوم و مبادی نظامات
۲۲	ارکان نظامات
۲۲	۱- تعریف
۲۵	۲- هدف (علت غایی)
۲۵	۳- کارشناسان و تهیه‌کنندگان نظام (علت فاعلی)
۲۶	۴- مؤلفه‌ها (علت مادی)
۲۷	۵- چگونگی تعامل بین مؤلفه‌ها (علت صوری)
۲۸	اهمیت نظام نظامات در فرهنگ علوی
۲۸	نگاه کارکردی و تمثیلی
۲۸	۱. نظامات در حکم ریل حرکت قطار است
۲۹	۲. نظامات در حکم نرم‌افزار اداره کشور است
۲۹	۳. هویت ساز سازمان و جامعه
۳۰	۴. شخصیت‌سازی و برآیندسازی اقتدار
۳۰	۵. آئینه‌وار انقلاب و دین بودن
۳۱	نگاه رویکردی و رفتاری

۳۱		نظام‌سازی از واجبات اساسی در فقه اسلامی است
۳۲		نگاه مانایی و پایداری
۳۲		فرهنگ‌سازی و ایجاد تقوای اجتماعی
۳۵		گفتار دوم: مدل مفهومی و متدلوژی تدوین نظامات
۳۵		مدل مفهومی طراحی نظامات
۴۱		متدلوژی تدوین نظام نظامات در فرهنگ علوی
۴۴		محتوای نظام نظامات در فرهنگ علوی
۴۶		اساس معنوی نظام نظامات در فرهنگ علوی
۴۹		معتبرترین و مقدس‌ترین سند نظام نظامات بعد از قرآن
۵۴		الگوی طراحی نظامات در فرهنگ علوی
۵۵		مهم‌ترین کاربردهای الگو در طراحی نظامات
۵۷		چه کسانی می‌توانند الگوی نظامات باشند؟
۶۰		اصول نظامات در فرهنگ علوی
۶۸		خلاصه فصل

فصل دوم: چیستی نظامات اداری در فرهنگ علوی

۷۳		گفتار اول: بازتعریف اجمالی از نظام نظامات در فرهنگ علوی
۷۴		تعریف نظام نظامات در فرهنگ علوی
۷۵		ساختار کلی نظام نظامات در فرهنگ علوی
۷۸		پایین‌ترین سطح نظام نظامات در فرهنگ علوی
۷۹		دو مرتبگی بودن نظامات در فرهنگ علوی
۷۹		اقسام و مراتب نظام در فرهنگ علوی
۸۰		۱. نظام آفرینش یا خلق
۸۰		۲. نظام اجتماعی انسان
۸۱		۳. نظام به معنای کشور اسلامی
۸۲		۴. نظام به معنی حکومت و حاکمیت
۸۳		۵. نظام به معنای قوانین و مقررات اداری و سازمانی
۸۸		ماهیت نظامات در فرهنگ علوی

- ویژگی‌های کارکنان در نظام نظامات در فرهنگ علوی ۹۰
- نظامات ایده‌آل در فرهنگ علوی و زمان برپایی آن ۹۵
- تعامل نظام نظامات با دیگران در فرهنگ علوی ۹۷

گفتار دوم: تفاوت نظامات در فرهنگ علوی و غرب ۹۹

۱. منطق احساس و منطق تعقل ۱۰۰
۲. دعوت به اجتماع، اتحاد و انسجام بین مردم ۱۰۲
۳. حقیقت نظام و اجتماع انسانی ۱۰۳
۴. اصلاح، بام راهی جزء اصلاح افرادش ندارد ۱۰۴
۵. هدف نظام رسیدن به حق است ۱۰۵
۶. نظام دینی بر مبنای تفکر اجتماعی است نه فردی ۱۰۶
۷. در نظام علوی عامل انبام و انتظام عقیده و نظام اخلاقی است ۱۰۹
۸. دامنه و محدوده نظامات ۱۰۹

گفتار سوم: ویژگی‌ها و شاخص‌های نظامات مطلوب در فرهنگ علوی ۱۱۱

- فرآیندی بودن تحقق تمدن نوین اسلامی و نظامات مرتبط بر آن ۱۱۳
- چهره ایده‌آل نظامات در آئینه سیاست‌های کلان ۱۱۵
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «خانواده» ۱۱۶
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «انتخابات» ۱۱۷
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی علم و فناوری ۱۱۸
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «جمعیت» ۱۱۸
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «سلامت» ۱۱۹
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی اشتغال ۱۲۰
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام در امور «شهرسازی» ۱۲۱
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام امور «تشویق سرمایه‌گذاری» ۱۲۲
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام در امور «امنیت فضای تولید و تبادل اطلاعات و ارتباطات (افتا)» ۱۲۲
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام در امور «ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران» ۱۲۳
- ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام در امور «پدافند غیرعامل» ۱۲۴

۱۲۵	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام در امور «مسکن»
۱۲۵	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی اصلاح الگوی مصرف
۱۲۶	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی نظام اداری
۱۲۷	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر
۱۲۸	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
۱۲۹	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «حمل و نقل»
۱۲۹	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «منابع طبیعی»
۱۲۹	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «بخش معدن»
۱۳۰	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «منابع آب»
۱۳۰	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی «امنیت اقتصادی»
۱۳۱	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی در زمینه «انرژی»
۱۳۲	ویژگی نظامات معطوف به سیاست‌های کلی امام خامنه‌ای
۱۳۲	شاخص اقتصادی در خلاصه
۱۳۲	خدمت به خیر
۱۳۳	عدالت‌محوری
۱۳۴	سلامت اقتصادی و مبارزه با فساد
۱۳۴	قانون‌گرایی
۱۳۵	حکمت و خردگرایی و عقلانیت
۱۳۵	تکیه به ظرفیت درون‌زای کشور
۱۳۶	توجه آثار تربیتی اخلاقی قانون
۱۳۶	هم‌افزایی
۱۳۷	ثبات و استحکام
۱۳۷	خلاق و نخبه‌پرور
۱۳۷	هوشمند، منعطف و اثربخش و قابل اجرا
۱۳۸	جامع، کامل، گره‌گشا و قابل تطبیق با شرایط گوناگون
۱۳۸	دانش‌بنیان و تجربه‌گرا
۱۳۹	حفظ جهت اسلامی و رعایت قانون اساسی
۱۳۹	کارآمد، اثربخش، روان، شفاف و روزآمد
۱۴۰	خودکنترلی و امکان شناسایی و اصلاح به موقع اشکالات
۱۴۰	مقوم نظم و انضباط دینی

۱۴۱	توسعه روحیه‌برداری و تواضع
۱۴۱	حافظ سلسله‌مراتب و تقویت‌کننده نظام ولایی
۱۴۲	کمال، ماندگاری، گره‌گشایی، شفافیت و تأویل‌ناپذیری
۱۴۳	به روز، غیرتکراری، بدون تعارض
۱۴۳	دارای مشروعیت دینی و تقویت‌کننده دائمی انس با خدا، قرآن و ائمه(ع)
۱۴۳	تقویت‌کننده تدبیر، یادگیرندگی و تفکر راهبردی
۱۴۴	برهیز از ماشین‌گرایی صرف و انوماسیون بی‌روح و خشک
۱۴۴	تقویت‌کننده خدمت‌رسانی، شادابی، کارگروهی و کاهش‌دهنده بطالت و روزمرگی
۱۴۵	فسادساز و حذف‌کننده فسادهای پنهان و مشوق معروف‌ها و برخورد با متخلفین عامد
۱۴۵	مرجع صیغه‌جویی، ساده زیستی و مانع اسراف، مصرف‌گرایی، اشرافی‌گری
۱۴۶	کادرساز پرورش‌دهنده نیروی انسانی متعهد و متخصص و ولایت‌مدار
۱۴۶	دارای ادبیات روان و بهره‌سازی کاربردی
۱۴۷	جمع‌بندی و مهم‌ترین ویژگی نظامات در اندیشه امام خامنه‌ای
۱۴۹	خلاصه فصل

فصل سوم: مبانی نظامات دارای در فرهنگ علوی

۱۵۳	گفتار اول: مبانی رویکردی نظامات در فرهنگ علوی
۱۵۳	مبانی نظامات
۱۵۴	انواع مبانی
۱۵۴	انواع مبانی بر پایه رویکرد
۱۵۴	مبانی فلسفی
۱۶۲	مبانی دینی
۱۶۵	مبانی اعتقادی
۱۶۷	مبانی حقوقی
۱۶۷	۱. حفظ حرمت مسلمان در هر وضعیت و موقعیتی
۱۶۷	۲. احساس مسئولیت در قبال هم
۱۶۸	۳. انتقادپذیری حاکم از مردم و بالعکس
۱۷۱	مبانی هدفی
۱۷۱	۱. عزت‌آفرینی

- ۱۷۱ ۲. پویا آفرینی
- ۱۷۲ ۳. روزآمدی یا نونوشوندگی
- ۱۷۲ ۴. محدودیت دامنه
- ۱۷۲ ۵. همکاری و همیاری
- ۱۷۲ ۶. قابلیت ارزیابی
- ۱۷۲ ۷. قابلیت تصحیح
- ۱۷۳ مبانی تشکیکی (امامت محوری / ولایت محوری)
- ۱۷۳ ۱. رابطه ولایتی بین ولی و مردم
- ۱۷۳ ۲. حکومت بر دل ها
- ۱۷۴ ۱. تنفید و تفویض اختیارات حکومتی
- ۱۷۴ ۴. اذن امام و رهبری در کارهای مهم
- ۱۷۵ گفتار دوم: مبانی کارکردی نظامات در فرهنگ علوی
- ۱۷۵ انواع مبانی بر پایه کارکرد
- ۱۷۵ ۱- مبانی ساختی
- ۱۷۶ وحدت فرماندهی
- ۱۷۶ وحدت برنامه ریزی
- ۱۷۷ عدالت محوری
- ۱۷۸ ۲- مبانی ساختاری
- ۱۷۸ توجه به قابلیت ها و شایستگی ها
- ۱۷۹ تعیین وظایف
- ۱۷۹ چابک آفرینی
- ۱۷۹ ۳- مبانی انتظامی
- ۱۸۰ هدفمندی هوشمندانه
- ۱۸۰ ارتباط منطقی طولی و عرضی بین اجزای نظام
- ۱۸۲ ۴- مبانی هم افزایی
- ۱۸۳ وحدت در اصول
- ۱۸۳ اولویت منافع نظام بر منافع شخصی
- ۱۸۳ هم راستایی اهداف نظام با اهداف کارکنان
- ۱۸۵ ۵- مبانی تحول آفرینی

۱۸۷	۶- مبانی معنویت‌افزایی
۱۸۸	۷- مبانی واقع‌بینانه آرمان‌گرا
۱۹۰	معیار بودن حقایق تا اشخاص
۱۹۰	آینده‌نگری و آینده‌نگاری
۱۹۱	تأمین معیشت مردم
۱۹۲	۸- مبانی عدالت‌افزایی
۱۹۲	گزینش هدفمند هوشیارانه
۱۹۳	قابلیت‌شناسی و بایستگی‌آفرینی (توانمندسازی)
۱۹۴	رعایت منزلت اجتماعی افراد
۱۹۵	۱- احترام شئون و شخصیت افراد
۱۹۵	برابری از امکانات به اندازه آورده
۱۹۶	۹- مبانی ولایت‌پذیری
۱۹۶	نظام و نظامات بنی‌گسترده الهی است
۱۹۷	تقوای اداری
۱۹۷	تبعیت و پیروی محض از ولایت الهیه نهان در شئون حکومتی
۱۹۸	خلاصه فصل

فصل چهارم: کارکردهای نظامات اداری در فرهنگ علوی

۲۰۵	کارکردهای نظامات در فرهنگ علوی
۲۰۷	۱- عزت اسلام و مسلمین
۲۰۷	نگاهی به مفهوم عزت
۲۰۸	راه‌های عزت‌بخشی اسلام و مسلمین
۲۰۸	الف: ویژگی نظاماتی که موجب عزت اسلام می‌شود
۲۰۸	۱- استقرار دین الهی
۲۰۹	۲- شاخص اصلی همه قوانین و مقررات اسلام باشد
۲۰۹	۳- توحیدی بودن نظامات
۲۱۰	۴- نفی سبیل
۲۱۶	ب: ویژگی نظاماتی که موجب عزت مسلمین می‌شود
۲۱۶	۱- ایجاد روحیه افتخار عمومی
۲۱۸	۲- طاعت‌ستیزی و ستم‌گریزی

۲۱۸	۳- استقلال و خوداعتمادی
۲۱۹	۴- اطاعت از خداوند
۲۲۰	۵- حاکمیت ارزش‌های اسلامی
۲۲۱	۶- تقویت هنجارهای اخلاقی
۲۲۲	۷- تقواگرینی
۲۲۴	۸- تقویت روحیه قناعت‌پیشگی و دوری از اشراف‌گرایی
۲۲۶	۹- تمرین صبوری
۲۲۸	۱۰- اطمینان به نصرت الهی
۲۲۹	۱۱- انسجام و اتحاد
۲۳۰	۲- تذلیل نفاق و منافقان
۲۳۰	نفاق در قرآن
۲۳۲	نفاق در روایات
۲۳۳	نقش منافقان
۲۳۳	خطرات نفاق
۲۳۵	خطرات منافقان در سازمان
۲۳۶	راه مبارزه با نفاق و منافقان
۲۳۷	۳- دعوت‌کننده به طاعت الهی وَ تَجْعَلْنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ
۲۳۷	۱- ارائه الگوهای عملی
۲۳۹	۲- پاسخگویی بخش نرم‌افزاری
۲۴۰	۳- اثرگذاری در متون آموزشی
۲۴۱	۴- رهبری خدایی «وَ تَجْعَلْنَا فِيهَا مِنَ الْقَادِّينَ فِي سَبِيلِكَ»
۲۴۴	چرا با وجود پیامبر و امام (ع) در رأس حاکمان، نظامات در بعضی اثرگذار نبود؟
۲۴۶	۵- کرامت دنیوی و اخروی مسلمین «وَ نَرْزُقُنَّهَا كَرَمًا لِّدِينِكَ وَ الْآخِرَةِ»
۲۴۷	برگردان مقامات انسانی
۲۴۸	تأمین معیشت مردم و ایجاد تعادل اجتماعی
۲۵۰	۶- تسهیل در روند امور
۲۵۱	خلاصه فصل

فصل پنجم: مؤلفه‌های نظامات اداری در فرهنگ علوی

۲۵۵	گفتار اول: مؤلفه‌های نظام نظامات در فرهنگ علوی
۲۵۵	فرهنگ

۲۵۸	 محتوا
۲۵۹	 غایت
۲۵۹	 الگوها
۲۶۰	 اصول

گفتار دوم: مؤلفه‌های نظامات در فرهنگ علوی

۲۶۶	 دکترین یا رهنامه
۲۶۷	 اصول قابل توجه در تدوین دکترین یا رهنامه
۲۶۸	 درون‌مایه‌ترین‌ها و رهنامه‌ها
۲۷۱	 شاخص‌ها- خاص دکترین و رهنامه نظامات علوی
۲۷۷	 فرامین و دستورات
۲۷۸	 ۱. افق‌سازی
۲۸۰	 ۲. امکان‌پایه‌سازی عملیاتی کردن
۲۸۲	 چند فرمان مدیریتی از کلمات امیرالمومنین علیه‌السلام
۲۸۹	 روش‌های اجرایی
۲۹۰	 شاخص‌های شیوه اجرایی
۲۹۰	 الف- در فرهنگ غرب
۲۹۱	 ب- در فرهنگ علوی
۲۹۳	 شرایط صحت شیوه اجرایی در فرهنگ علوی
۲۹۳	 ۱. صحیح بودن هدف و هم‌راستای شیوه اجرایی با آن
۲۹۴	 ۲. صحیح بودن شکل، ساختار و مهندسی
۲۹۵	 علل انحراف در شیوه‌های اجرایی
۲۹۸	 شرایط قبولی روش جاری
۳۰۰	 ۱. شرط اعتقادی: ایمان به خدا
۳۰۰	 ۲. شرط سیاسی: ولایت
۳۰۱	 ۳. شرط فرهنگی: تقوا
۳۰۲	 ۴. شرط اقتصادی: ادای حق مردم
۳۰۲	 ۵. شرط اجتماعی: خیرخواهی نسبت به دیگران
۳۰۳	 ۶. شرط خانوادگی: خوشرفتاری
۳۰۴	 ۷- شرط رویکردی: روشنگری

۳۰۵	شرط کمال روش اجرایی
۳۰۵	واقع‌بینی و آینده‌نگری
۳۰۵	شوق‌انگیزی
۳۰۷	رعایت اولویت‌ها
۳۰۷	پایداری اثر یا برکت روش جاری
۳۰۸	در خط ولایت بودن
۳۰۸	به موقع بودن
۳۰۹	در شرایط دشوار انجام شود
۳۱۱	پایداری و ماندایی با نشاط و فرح‌انگیز
۳۱۲	دست‌رعمل
۳۱۳	چند دستورالعمل قرآنی
۳۱۵	چند دستورالعمل روایی
۳۱۸	ویژگی‌های ستون‌های فرهنگ علوی
۳۱۹	تفاوت دستورالعمل با شیوه‌نامه
۳۲۱	خلاصه فصل

فصل ششم: چگونگی پیاده‌سازی نظامات اداری علوی

۳۲۵	گفتار اول: آنچه قبل از پیاده‌سازی نظامات جدید باید بدانیم؟
۳۲۷	۱- پذیرش نظامات از طرف سازمان و ایجاد فضای لازم برای پذیرش نظامات
۳۲۸	۲- پالایش درونی و بیرونی
۳۲۹	۳- آمایش نیروی و تجهیزاتی
۳۲۹	۴- توانمندسازی
۳۳۰	۵- اقدام همگانی / قیام همگانی
۳۳۱	۶- بازآفرینی
۳۳۱	۷- نهاده‌سازی نظامات
۳۳۲	پیاده‌سازی نظامات و مدیریت راهبردی در فرهنگ علوی
۳۳۴	فرهنگ دانایی و نظامات جدید در فرهنگ علوی
۳۳۶	شاخص‌های پایش فرهنگی در پیاده‌سازی نظامات
۳۴۱	مراحل آغازین پیاده‌سازی نظامات جدید در فرهنگ علوی

۳۴۱	تغییر باورهای شخصی کارکنان
۳۴۱	اعلان پاداش
۳۴۲	فضای باز انتقاد و امتیازدهی به افرادی که منتقد مفید هستند
۳۴۳	اعتماد و همراهی
۳۴۳	تعاملات اجتماعی
۳۴۴	تعهد و همگرایی

گفتار دوم: گام‌های اصلی پیاده‌سازی نظامات علوی

۳۴۶	۱- شناخت وضع موجود سازمان از نظر دانشی
۳۴۷	۲- آشنایی
۳۵۲	۳- ترسیم افق روشن و شفاف از پیاده‌سازی نظامات جدید
۳۵۴	۴- راهبردهای پیاده‌سازی
۳۵۵	۵- تهیه برنامه اجرای
۳۵۵	۶- توصیف انتظارات از پیاده‌سازی نظامات جدید
۳۵۶	۷- تنظیم اولویت‌های پیاده‌سازی نظامات جدید
۳۵۶	۸- تعیین ارکان پیاده‌سازی نظامات جدید
۳۵۷	۹- ایجاد برنامه‌های تشویقی
۳۵۷	۱۰- هم‌افزایی لازمه هماهنگی بین بخش‌های مختلف
۳۵۷	۱۱- تکیه بر دانش و تجربیات
۳۵۸	۱۲- نظارت مستمر
۳۵۹	خلاصه فصل

فصل هفتم: حفظ و صیانت از نظام اداری در فرهنگ علوی

گفتار اول: عوامل مؤثر در سلامت، صیانت و حفظ پویایی نظامات در فرهنگ علوی

۳۶۴	سلامت سازمانی
۳۶۶	سلامت سازمان در فرهنگ علوی
۳۶۶	عوامل سلامت نظامات اداری
۳۶۷	عوامل نرم‌افزاری
۳۶۷	۱- ادراک مسئولیت نسبت به حفظ و صیانت از نظامات دینی تأمین

مقدمه

نظام و نظامات واژه‌هایی هستند که با حاکمیت معنی پیدا می‌کنند؛ یعنی هر حاکمیتی برای شکل‌گیری نیازمند مرامنامه‌ای است که براساس آن، نظامی تشکیل دهد که در سایه‌وار آن حکومت دولت شکل دهد تا اهداف و نیات آن را پیاده نماید. برای اینکه هویت حکومت را جامعه ساری و جاری گردد و در طول زمان پویا مانده و هر روز از قبل بر استحکام آن افزوده شود نیازمند رهنامه؛ فرامین، روش‌ها و دستورالعمل‌ها یا نظاماتی است که براساس آن مردمان حکومت کرده و با مردم تعامل داشته باشند. اگر پیوند این دو؛ یعنی نظام یا حکومت و نظامات، جوهری نباشد، نظام در حکم پوسته‌ای خواهد بود که در بدن یکدیگر پوشانده و مانند پوست گوساله در بدن اسب، نه پوست گاو تداعی اسب می‌کند و نه هیکل اسب به‌رنگ تغییر می‌دهد که در زبان سیاسی به آن وضعیت التقاطی گفته می‌شود. حکومت ترکیب نمونه‌ای از آن است؛ حکومتش لاییک است ولی مردم و خاستگاه آنها اسلام است؛ هیچ‌وقت آن در یکی نخواهد شد مگر اینکه یکی بر دیگری غلبه کرده و تغییر هویت دهد.

حقیقت انسان براساس فطرت الهی آفرینش یافته و در دین الهی شکوفا شده و استعدادهای انسانی و الهی او بالفعل می‌گردد که نظامات آن بر رکنه اربعه الهی باشد «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَٰلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم/۳۰) پس روی خود به سوی دین حنیف کن که مطابق فطرت خدا است؛ فطرتی که خدا بشر را بر آن فطرت آفریده و در آفرینش خدا دگرگونگی نیست، این است دین مستقیم ولی بیشتر مردم نمی‌دانند.

مدت‌ها امورات مردم بر پایه همان نظاماتی اداره می‌شد که از طرف خداوند برای مردم آمده بود تا اینکه شیطان از زبان علماء به اختلاف انگیزی پرداختند و جامعه را به

تشت کشاندند «وَأَتَيْنَاهُمْ بَيِّنَاتٍ مِنَ الْأَمْرِ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعْيَا بَيْنَهُمْ» (جاثیه/۱۷) و از امر دین آیاتی روشن دادیم پس اگر اختلاف کردند اختلافشان پس از آن بود که به حقانیت دین یقین پیدا کردند و انگیزه اختلاف آنها تنها حسادت بود که به یکدیگر می‌ورزیدند (ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۸: ۲۴۷).

خداوند متعال انبیا را در چنین جوامعی مبعوث می‌کرد تا هویت، ساختار و ساخت مردم و دولت‌ها را تغییر داده و به خط اصیل انسانی برگردانند و یادآور نعمت بزرگ هدایت ولایت شوند که فراموش کرده‌اند و در دام شیطان افتاده‌اند و حتی معجزاتی به مردم نشان داد تا صحت پیوند پیامبران با خدا را اثبات کند: «بَلْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِم مَّبْشَرِينَ، لِيَسْتَأْذِنَهُمْ مِثْلَ قُورَيْشٍ وَمِنْ بَيْنِهِمْ هَارُونُ بْنُ يَسْرَافَ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ آدَمَ بْنِ نُوْحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَآلِهِمُ الْبَيِّنَاتُ» (نوح/البلاغه خطبه ۱). ولی حزب شیطان به این راحتی زیر بار هدایت الهی نمی‌رود و سبیل را نمی‌کند و او را وامی‌دارد که در مقابل خواست و اراده الهی بایستد (اعراف/۱۲) و هدایت انبیا مخالفت کند و بر مسلک و سبک قبلی پای فشارد و بگوید ما پیرو دینی هستیم که از گذشتگان و پدران به ما رسیده باشد: «وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا آتَيْنَا آلِهَةً مِنْ قَبْلِهِ أَوْ كُنَّا ذُرِّيَّةً مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّهُمْ صَالِحٌ» (نوح/۱۷۰). البته اگر پدران آنها صالح و هدایت یافته بودند خدا مخالفتی به آنها ندارد و اصولاً دعوت الهی نیز در یک مسیر و خط اتفاق می‌افتد که از آدم شروع شده و به خاتم ختم شده است و اگر انحرافی ایجاد نمی‌شد دیگر نیازی به هادی جدید نبود و این مشکل اساسی در تعقل و در راه درست بودن است: «أَوَلَوْ كَانَ آبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئاً وَلَا يَهْتَدُونَ» (نوح/۱۷۰)؛ یعنی بعد از اینکه مردم دریافت وحی کردند، تعدادی آن را به نفع خود تفسیر کرده‌اند و درصدد تغییر خط مشی جامعه به طرف خط سیری شدند که خود اینها ترفند کرده‌اند تا حرف خود را به جای حرف خدا به مردم تحمیل کنند، نیازمندی به هدایت و تصحیح انحراف‌ها بیشتر می‌شد. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنْذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعْيَا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» (نوح/۲۱۳). یعنی مردم قبل از بعثت انبیا همه یک امت بودند، خداوند به خاطر اختلافی که در میان آنان پدید آمد، انبیایی به بشارت و انداز برگزید و با آنان کتاب را

به حق نازل فرمود تا طبق آن در میان مردم و در آنچه اختلاف کرده‌اند حکم کنند. این بار در خود دین و کتاب اختلاف کردند و این اختلاف پدید نیامد مگر از ناحیه کسانی که اهل آن بودند و انگیزه‌شان در اختلاف حسادت و طغیان بود. در این هنگام بود که خدا کسانی را که ایمان آوردند در مسائل مورد اختلاف به سوی حق رهنمون شد و خدا هر که را بخواهد به سوی صراط مستقیم هدایت می‌کند.

علامه طباطبائی این آیه را دلیل تشریع ادیان و علت اختلاف در میان مردم می‌شمارد و در تبیین آن می‌گوید: انسانی که به حسب فطرتش، موجود اجتماعی و تعاونی است در او این اجتماعی که تشکیل داد یک امت بیش نبود، آن‌گاه اقتضائات فطرتش او را واداشت تا در تخصیص منافع به خود با یکدیگر اختلاف کنند، این اختلاف موجب پیدایش قوانینی شد تا به کمک آن رفع اختلاف کنند. سپس این قوانین لباس دین به خود گرفت و مستلزم بهارت و انذار و ثواب و عقاب گردید و به‌منظور این کار پیامبرانی مبعوث شدند، و با فزونی اختلاف‌ها در دین بر سر معارف دین و مبدأ و معاد راه یافت، در نتیجه به وحدت دین هم خلل وارد شد، شعبه‌ها و حزب‌ها پیدا شد و به تبع اختلاف در دین، اختلاف‌های دیگری که بر منشأ ستمگری‌ها شد، پدید آمد.

بنابراین، اختلاف‌ها دو قسم شدند؛ یک اختلاف در دین که منشأ ستمگری و طغیان بود، دیگری اختلافی که منشأ فطرت و غربت بشری بود. اختلاف دومی که همان اختلاف در امر دنیا باشد باعث تشریع دین شد، خدا وسیله دین خود، عده‌ای را به سوی حق هدایت کرد، و حق را که در آن اختلاف می‌کردند روشن ساخت؛ پس دین الهی تنها و تنها وسیله سعادت برای نوع بشر است، و یگانه عاملی است که حیات بشر را اصلاح می‌کند؛ چون فطرت را با فطرت اصلاح می‌کند، و قوای مختلف فطرت را در هنگام کوران و طغیان تعدیل نموده، برای انسان رشته سعادت زندگی در دنیا و آخرتش را منظم و راه مادیت و معنویتش را هموار می‌نماید (طباطبائی، ج ۲: ۱۶۸).

برای اینکه دین الهی در جامعه پیاده شود و مردم دوباره به همان سیاق فطرت برگشته و تابع نظامات آن شوند، یک حرکت بلندمدت و طولانی لازم است. انقلاب اسلامی با این هدف به‌وجود آمد تا جامعه اسلامی، کشور اسلامی و دولت اسلامی

براساس تعالیم اسلامی - که لبّ لباب تعالیم انبیاء است - در واقعیت به وجود آید و مردم آثار آن را ببینند (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار دانشجویان، ۱۳۸۷/۰۷/۰۷).

به تعبیر امام خامنه‌ای اینکه تنها اسم دولت ما، دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ واً قبل از ما چند دولت جمهوری اسلامی دیگر در منطقه ما و آفریقا و جاهای دیگر وجود داشته و الآن هم هست. بنابراین، اسم ما دولت اسلامی باشد، کافی نیست؛ باید عمل و جهتگیری ما اسلامی باشد. اگر در اینها اختلال پیدا شد، حرکت مستمر و مداوم و پویانده‌ای که لازم است تا دولت اسلامی به صورت کامل شکل بگیرد، دچار نُکث می‌شود و ضیعاً کار عقب می‌افتد. البته دولت اسلامی کامل به معنای واقعی کلمه، در زمان انسان کامل تشکیل خواهد شد؛ ان شاء الله. خوشا به حال کسانی که آن روز را درک می‌کنند. هدف ما انسان‌های ناقصی هستیم. ما به قدر توان و تلاش خود می‌خواهیم مجموعه کارگزاران حکومت را - که خودمان هم جزو آنها هستیم - به نقطه‌ای برسانیم که با نصاب جمهوری اسلامی تطبیق کند. ما می‌خواهیم خود را به حد نصاب نزدیک کنیم. اگر دولت ما اسلامی شد، آن وقت کشورمان اسلامی خواهد شد. اگر من و شما در معاشرت‌مان، رفتاریمان، در طلب مآلمان، در مجاهدتمان، نتوانستیم خود را به حد نصاب برسانیم، از آن بشجو، از آن جوان بازاری، از آن عنصر در رده‌های پایین دولتی، از آن کارگر، از آن روستایی، از آن شهری چه توقعی می‌توانیم داشته باشیم که اسلامی عمل کنند؟ چرا مردم را بی‌خود ملامت می‌کنیم؟ نباید ملامت کنیم. اگر کمبودی هست، خودمان را باید ملامت کنیم؛ «اربع انفسکم». اول، ما اسلامی می‌شویم؛ وقتی اسلامی شدیم، «کنونا دعاء الناس بغير السننکم»؛ آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور، اسلامی خواهد شد؛ هم احکام و مقررات اسلامی است، هم اجرا اسلامی است، هم دولت‌مردان اسلامی‌اند، هم مردم به تبع حال و به تبع دولت‌مردان از لحاظ اخلاقی اسلامی خواهند شد. البته شیطان نمی‌میرد؛ شیطان زنده است. همیشه عده‌ای، جریانی، مجموعه‌هایی هستند که تسلیم شیطان بشوند؛ اما شکل کلی، اسلامی خواهد شد (بیانات امام خامنه‌ای در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت، ۱۳۸۴/۰۶/۰۸).

بنابراین، برای آنکه ما بتوانیم دولت اسلامی و نظام اسلامی داشته باشیم باید از خود شروع کنیم و ذهن، گفتار، کردار و رفتارمان را اسلامی کنیم که لازمه نزدیک آن آشنایی با اسلام و مرامنامه آن و آفت‌هایی است که آن را تهدید می‌کند تا بتوانیم عملاً مسائل را از خودمان دور کنیم.

یکی از دلایل عمده ناکامی‌ها، نبود نظامات اسلامی است که منطبق با مرامنامه حکومت و دولت اسلامی باشد؛ یعنی پوسته با بدنه یکی باشد، باید بدنه را اسلامی کرد و تمام آئین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها بر وفق اسلام و مرقانون اساسی و سیاست‌های کلی مستخرجه از آن باشد، آن موقع است که می‌توان به یک نظام اداری سالم بر وفق اسلام دست یافت.

سلامت نظام اداری می‌توان معلول عوامل متعددی همچون عوامل فرهنگی، ساختاری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی دانست که برای تحقق آن باید راه کارهای چند بُعدی ارائه شود. اسلام سلامت نظام اداری را مشروط به سلامت کارکنان به‌ویژه مدیران عالی و رهبران جامعه، توجه به نیازهای اداری و معنوی کارکنان دولت، رعایت اهلیت‌ها در واگذاری امور، اعمال نظارت چندگانه با فعالیت و عملکرد مدیران، اعمال رویه‌های عادلانه در روابط متقابل شخصی و جبران خدمات، تحویل در ارزش‌ها و باورها، تحول در برنامه‌های آموزش و پرورش نیروی انسانی، مشارکت مردم در اداره امور، برخورد قاطع با متخلفان و امثال اینها می‌داند که منشور مدیریتی امیرمؤمنان علی، علیه‌السلام به مالک اشتر مرامنامه عینی و کلی آن است که هم در دوره زمامداری امیرالمؤمنین علیه‌السلام پیاده شد و هم به دست‌خط خودشان برای پیاده‌سازی به مالک زمان دادند است که آن را پیاده نماید. گام‌های اولیه این نظام به رهبری امام خمینی (ره) برداشته شد و مردم نیز با نثار جان و مال بر رویه ایشان با رأی ۹۸/۲ درصد مهر تأیید زدند و لذا بر اندیشمندان و دولت‌مردان واجب هست که نظامات مترتب بر حکومت اسلامی را که امام خمینی (ره) پایه‌ریزی کرده و مردم خواهان بودند را به‌درستی تبیین و دولت‌مردان آن، اجرا کنند تا مردم به عینه و ملموس حکومت اسلامی و آثار آن را در زندگی احساس کنند.